



کاهش نرخ بهره تهدید فعالیت های بانکی کشور

حسین امیررحیمی

آوردن نرخ بهره را ورد مقدس اصلاحات در بخش مالی عنوان می کنند و اعتقاد دارند که یک رژیم بهره پایین می تواند به رشد شتاب بیشتری بخشد، چون با نرخ های پایین تر بهره، شرکت های بزرگ از اعتبارات بانکی استفاده خواهند کرد و با عدم فعالیت این شرکت ها در اقتصاد، تولید ملی در کشورها کاهش خواهد یافت.

علاوه بر سیاست های کاهش نرخ بهره در کشور ما، کشور هند نیز در سال اخیر توسط کمیسیون "ناراسیمهام" مقررات زدایی مرحله ای از نرخ بهره را هماهنگ با شرایط اقتصادی کلان این کشور توصیه نمود که با توجه به تورم حدود ۶/۷ درصدی در هند در سال گذشته و نرخ های بهره بین ۱۲ تا ۱۵ درصدی در این کشور، این امر منطقی به نظر می رسد. نرخ بهره حدود ۱۵ درصد در هند به سود صاحبان پس انداز و بازنشستگان این کشور بود. ولی با کاهش نرخ

بهره در این کشور، شرکت های بزرگ تنها به دلیل نرخ های بهره پایین سود بیشتری را نصیب صاحبان سرمایه و مالکان کردند و هیچ تغییری در روند زندگی افراد کم درآمد، به جز کاهش درآمد حاصل از پس اندازشان حاصل نشد. در این میان بانک های این کشور به دلیل کاهش سوددهی و کم شدن سطح سپرده ها توانایی ارائه خدمات گسترده را از دست دادند و در بسیاری از روستاها و بخش های کوچک، شعب بانک ها تعطیل شد و در یک پروسه یک ساله دولت هند مجبور شد سرمایه گذاری خارجی (یا سپرده های خارجی) را جایگزین سپرده های داخلی خود نماید در نتیجه این سیاست (کاهش نرخ بهره) در هند با توجه به نرخ تورم نسبتا پایین تر این کشور نسبت به ایران به بن بست رسید و به نظر می رسد



بهره به عنوان قیمت توافقی بین وام گیرنده به دلیل استفاده از پس انداز نقدی وام دهنده می باشد که به وی پرداخت می شود. اقتصاددانان کلاسیک به تعیین بهره توسط پس انداز و نرخ های آن و سرمایه گذاری در جامعه معتقد بودند و نئوکلاسیک ها بخصوص در نظریات ویکسل و رابرتسون به تاثیر متقابل نیروهای پولی و غیر پولی به نرخ بهره تاکید دارند. همچنین عناصری مثل تقاضا، فداکاری و منتظر ماندن برای دریافت سود نیز می تواند برای توجیه و علت وجود نرخ بهره در هر کشور مطرح باشد که توسط اقتصاددانان مطرح شده اند.

نرخ بهره به عنوان یکی از کلیدی ترین متغیرهای اقتصاد در تمام جوامع معرفی شده است که معمولا به دلیل خاصیت عرضه و تقاضا پذیری این متغیر، تعیین نرخ عادلانه و صحیح برای این متغیر بایستی از طریق مکانیسم بازار صورت گیرد، اما تغییر دستوری

نرخ بهره بانکی در سال گذشته توسط شورای پول و اعتبار و تلاش برای کاهش دوباره این نرخ که اخیرا تصویب شده و منتظر ابلاغ رسمی رییس جمهور و تایید نهایی آن است، عواقب و مسایل جدیدی را پیش روی اقتصاد ایران در آینده قرار خواهد داد.

در حال حاضر وضعیت اقتصادی کشور در شرایط رکود تورمی قرار دارد و با کاهش نرخ بهره اگر چه تشویق سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری، ایجاد اشتغال و بهبود شرایط رکودی به وقوع می پیوندد، ولی حتی افزایش سرمایه گذاری در کشور در این شرایط بیشتر به رکود موجود دامن خواهد زد و کاهش نرخ بهره هدف های اقتصادی مورد نظر را در پی نخواهد داشت.

اقتصاددانان طرفدار اصلاحات اگر چه پایین

به نظر می رسد
سیاست آزمون و خطای
اقتصادی کشور در
خصوص نرخ بهره
این بار ممکن است به
ضرر سیستم بانکداری
کشور بخصوص
بانک های نوپای
خصوصی باشد

که ادامه‌ی این روند در کشور ما نیز وضعیت بهتری نداشته باشد.

طرفداران کاهش نرخ بهره در کشور علاوه بر بحث سرمایه‌گذاری و افزایش توان تولیدی کشور، افزایش نرخ ارز و بالا رفتن هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تقاضا برای پول ملی، با توجه به سیاست‌های انقباضی پولی در سال‌های اخیر به منظور مهار تورم و گسترش فعالیت‌های ربوی در کشور کاهش نرخ بهره را بسیار تاثیرگذار و کارساز قلمداد می‌کنند.

همچنین با وجود منفی بودن سود واقعی در طی سال‌های گذشته، نرخ رشد سپرده مدت‌دار بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا بیشتر از نرخ رشد نقدینگی بوده است و وجود کسری بودجه و اخذ مالیات توسط دولت از مهمترین شرایط سیستم مالی سرکوب شده در کشور می‌باشد که در این شرایط کارآمدی سیاست پولی مورد ابهام است و سیاست بالا نگهداشتن میزان نرخ سود بانک‌ها جهت حفظ منافع بانک‌ها به سود منافع ملی نمی‌باشد. اما به دیدگاه طرفداران عدم دخالت دولت در تعیین نرخ بهره بانکی و یا حداقل ثابت ماندن نرخ‌های بهره بانکی به دلیل شرایط تورمی در کشور و با محاسبه نرخ بهره واقعی یعنی کسر کردن تورم از نرخ بهره اسمی، در واقع وام‌گیرندگان در صورت کاهش نرخ بهره بسیار بیشتر از قبل منتفع می‌شوند و تلاش برای دریافت وام از بانک‌های کشور بسیار گسترش خواهد یافت. از طرفی دیگر تورم در کشور در حال حاضر حدود ۱۵ درصد می‌باشد که تقریباً مطابق با نرخ بهره بانک‌های دولتی و مقداری کمتر از نرخ بانک‌های خصوصی است و رشد سریع نقدینگی در

سال گذشته که معمولاً با یک وقفه یک یا دو ساله در تورم تاثیرگذار خواهد بود نیز بر نگرانی‌های افزایش نرخ تورم افزوده است، با این تفاسیر وام‌گیرندگان به دنبال خرید کالاها، سرمایه‌ای یا دارایی‌های قابل معامله خواهند بود که نهایتاً تقاضا برای بخش‌های مختلف را بدون تغییر جدی در تولید افزایش خواهد داد و نهایتاً تورم موجود در کشور افزایش خواهد یافت.

ادامه وضعیت کاهش سود بانکی بانک‌های کشور را که هنوز در حال تلاش برای سازگاری با شرایط به وجود آمده در اثر کاهش نرخ بهره در سال قبل هستند، بسیار آشفته‌تر خواهد کرد و بخصوص بانک‌های خصوصی که این بار مجبورند ۵ درصد نرخ‌های بهره خود را کاهش دهند و به نرخ بهره ۱۲ درصد که هم‌تراز با بانک‌های دولتی است برسند، مجبورند فشار بیشتری را تحمل کرده و چه بسا

ممکن است تلاش اقتصاد کشور برای داشتن بانک‌های خصوصی پویا به یاس تبدیل گردد، چرا که ساختار خاص این بانک‌ها و هزینه‌های بالای پرسنلی و هزینه‌های شعب این بانک‌ها با توجه به نرخ‌های بالاتر بهره برنامه‌ریزی شده بود که با نرخ بهره ۱۲ درصد به هیچ‌وجه فعالیت این بانک‌ها توجیه اقتصادی نخواهد داشت. برابری نرخ بهره با تورم (و حتی پایین‌تر از آن) بیانگر این مساله است که بانک‌ها تسهیلات را به صورت مجانی یا حتی با هزینه اضافی در اختیار مشتریان خود قرار می‌دهند و اگر تمهیدات و تلاش‌های دولت برای کاهش نرخ تورم کارساز نباشد (که با توجه به رشد نقدینگی و آزاد شدن سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها به دلیل

و احتمالاً خارج شدن این سپرده‌ها از سیستم بانکی کشور و افزایش نقدینگی و رشد تورم باعث ایجاد بار مالی فراوان و ضرر جبران‌ناپذیری به بانک‌ها خواهد شد چرا که بانک‌ها با این سیاست تفاضل نرخ بهره و سود سپرده‌ها (اسپرد) بایستی به حداقل برسد که بی‌شک سود پرداختی جوابگوی نیازها و خواسته‌های مشتریان نخواهد بود که این به عنوان سرکوب مالی نقش بازدارنده‌ای در رشد اقتصادی خواهد داشت.

در کشورهای پیشرفته که دارای نرخ بهره پایین‌تری هستند، بی‌شک نرخ تورم نیز پایین‌تر از نرخ‌های بهره می‌باشد به عنوان مثال تورم در ژاپن صفر یا منفی است و این امر موجب شده است که



نرخ بهره در این کشور در حدود ۲ یا ۳ درصد تعیین گردد.

به نظر می‌رسد سیاست آزمون و خطای اقتصادی کشور در خصوص نرخ بهره این بار ممکن است به ضرر سیستم بانکداری کشور بخصوص بانک‌های نوپای خصوصی باشد. بخصوص با تاکید هیات دولت به کاهش دوباره پافشاری به کاهش دو درصدی نرخ بهره از ابتدای سال و تصویب آن در شورای پول و اعتبار در اوایل خرداد ماه، فصل جدیدی در فعالیت بانک‌های کشور خواهد گشود که براساس تئوری‌های اقتصادی و وضعیت اقتصادی کشور، به نظر می‌رسد نتایج مورد انتظار از اجرای این سیاست چندان خوشایند تصمیم‌گیران سیاسی و اقتصادی کشور نباشد.

کاهش نرخ بهره بعید به نظر می‌رسد) دولت ناچار است زیان بانک‌ها را قبول کند که این مساله بیشتر برای بانک‌های دولتی تحقق می‌یابد و یا به افزایش نرخ بهره این بار به صورت غیر منطقی و احساسی تن دهد، که با توجه به بدهی بیش از ۲۴ میلیارد دلاری دولت به سیستم بانکی و عدم توانایی در پرداخت این بدهی تاکنون، راهکار دوم عملی‌تر به نظر می‌رسد.

در حال حاضر در صورت نهایی شدن کاهش نرخ بهره (اجرای شدن) در سال جاری و اگر بانک‌ها حاضر به کاهش نرخ تسهیلات خود باشند (بخصوص بانک‌های خصوصی) بایستی بهره پرداختی به سپرده‌های نزد بانک‌ها نیز کاهش یابد که این امر علاوه بر کاهش قدرت خرید سپرده‌گذاران